این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

لزوم همراهی خودسازی و جامعه‌سازی

استاد شهید مرتضی مطهری(ره):
با کمال تأسف الان در اجتماع ما اکثر آنهایی که شور اسلامی دارند، دو دسته هستند: یک دسته... اسلام برای اینها عبارت است از ذکر، دعا، نافله خواندن، زیارت رفتن و زیارت عاشورا خواندن؛ اصلاً کاری به دنیا ندارند، کاری به زندگی ندارند، کاری به مقررات اجتماعی اسلام ندارند، کاری به اصول و ارکان اسلام ندارند، کاری به تربیت اسلام ندارند، به هیچ چیز اساساً کاری ندارند. عکس‌العمل کندروی اینها این است که یک طبقه دیگری پیدا شده از تندروها که واقعاً به مسائل اجتماعی اسلام اهمیت می‌دهند و حساسیت هم نشان می‌دهند. این جور اشخاص از این نظر خیلی هم باارزش هستند، ولی برخی از همین‌ها را من گاهی دیده‌ام که مثلاً مستطیع شده است اما به حج نمی‌رود... به نمازش اهمیت نمی‌دهد، به اینکه در مسائل باید تقلید کرد اهمیت نمی‌دهد...
...یک نفر مسلمان، هم باید یک رابطه دائم و ثابت میان او و خدای خودش برقرار باشد و هم باید یک رابطه ثابت و دائم میان او و جامعه خودش برقرار باشد. بدون عبادت، ذکر و یاد خدا، مناجات با حق، حضور قلب، نماز و روزه نمی‌شود یک جامعه اسلامی ساخت و حتی خود انسان سالم نمی‌ماند و همچنین بدون یک اجتماع صالح و یک محیط سالم، بدون امر به معروف و نهی از منکر، بدون رسیدگی و تعاطف و تراحم میان افراد مسلمان، نمی‌شود عابد خوبی بود.
منبع: کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در تلگرام به استناد کتاب آزادی معنوی، ص ۸۰

صدای مولا بلندترین صدای عالم است

علی بیطرفان در توئیتی نوشت: یه لحظه نگاهم افتاد به این صحنه، دیدم حیفه ثبت نشه، عکس گرفتم که شما هم ببینید. صحنه عجیبی بود، یه لحظه یادم اومد تو همین مکان بود که گمان کردن حسین بن علی(ع) رو گیر میندازن و صداش رو برای همیشه خاموش می‌کنن، امروز اما پس از ۱۴۰۰ سال صدای مولای‌مان بلندترین صدای عالم است.

از مناره پر کنم آفاق را

شهردار نیویورک: «به زودی صدای اذان را برای نخستین بار از بلندگوها خواهید شنید، لحظه مهمی برای جامعه مسلمانان!» مولانا: «مصطفی را وعده داد الطاف حق، گر بمیری تو نمیرد این سبق، از مناره پر کنم آفاق را، کور گردانم دو چشم عاق را!» امریکا فقط امریکای ترامپ ضداسلام و مسلمانان نیست!

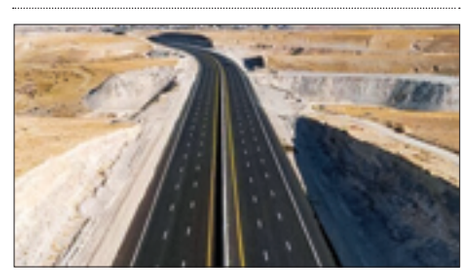

رنج دوران برده‌ایم

علی فرحزادی در توئیتی نوشت: بعد از انقلاب تونستیم حدود ۲هزارو۷۰۰ کیلومتر به شبکه آزادراهی کشور اضافه کنیم. صنعت راهسازی یکی از عوامل کلیدی توسعه شهری و اقتصادی برای هر کشور است و ما برای ساخت هر وجب از این جاده‌ها تحریم بودیم، کاملاً درست گفتند ما برای آنکه ایران خانه خوبان شود، رنج دوران برده‌ایم.

بدون شرح!

سیدنظام‌الدین موسوی در توئیتی با عنوان «بدون شرح!» نوشت:
روحانی: با افتتاح پروژه ستاره خلیج‌فارس همه پیمانکاران اذعان کردند این پروژه را آنها نساختند بلکه آن را برجام ساخت.
رئیسی: کسانی که فاز ۱۱ پارس جنوبی را نهایی کردند، نشان دادند کشور معطل لبخند و اخم دیگران نیست. ما با توکل به خدا و اعتماد به جوانان کارها را پیش می‌بریم.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به تمجید رهبر معظم انقلاب از دولت سیزدهم

تمجیدی که مسئولیت می‌آورد نه مصونیت

رهبر معظم انقلاب در دیدار با دولت سیزدهم بیان داشتند: «از همه دولت‌ها حمایت کردم اما از این دولت علاوه بر حمایت، تمجید می‌کنم»، این فراز مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت و آنها نیز در توئیت‌هایی از خدمات دولت سیزدهم در دو سال گذشته و دلایل تمجید رهبر معظم انقلاب نوشتند. کاربران البته اذعان داشتند این تمجید نباید موجب آن شود که دولتمردان فعالیت‌های خودشان را برای حل مشکلات مردم کافی بدانند. فعالان شبکه‌های اجتماعی همچنین در خصوص لزوم کار رسانه‌ای بیشتر دولت برای اطلاع‌رسانی خدماتش نوشتند. برخی دولتمردان فعال در توئیتر نیز از فرمایش رهبر معظم انقلاب قدردانی کردند و خود را مکلف بر انجام نقطه‌نظرات ایشان و جبران کاستی‌ها دانستند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

محسن منصوری:
تمجید رهبر معظم انقلاب از عملکرد دو ساله دولت سیزدهم، مدال افتخاری ارزشمند برای خدمتگزاران مردم در هفته دولت بود. متعهد به تلاش بیشتر برای تحقق مطالبات و دغدغه‌های معظم‌له به‌خصوص در حوزه‌های اقتصادی و معیشتی هستیم، ان‌شاءالله.

سیدمحمد حسینی:
ابراز رضایت و تمجید امام خامنه‌ای از عملکرد دولت مردمی آیت‌الله رئیسی باارزش‌ترین مدال افتخار برای اعضای سختکوش دولت است که در ادامه راه با عزم راسخ، همت بلند، احساس مسئولیت بیشتر و با اسم رمز کسب رضای الهی در خدمت ملت شریف ایران باشند.

علی جعفری:
همه وظیفه دارند به دولت آقای رئیسی که مدال افتخار تمجید رهبری به سینه دارد، کمک کنند. از طرف دیگر ما هم نباید پشت سر رهبری قایم شویم و منتقدان دولت را مخالف رهبری خطاب کنیم. از آقا هزینه نکنیم و خودمان را هزینه آقا کنیم و این تعریف را نشان از مسئولیت بیشتر بدانیم، نه مصونیت.

محمدصادق اسلامی:
حمایت و تمجید رهبر عزیزمان از دولت و رئیس‌جمهور محترم آقای رئیسی نشان‌دهنده این است که دولت با برنامه و هدفمند حرکت می‌کند و این مایه امیدواری دلسوزان نظام است، همه باید حمایت کنیم، هر چند تعداد معدودی از مدیران ارشد نیز باید فعالیت خود را بر مبنای شعارهای دولت خدمتگزار قرار دهند.

کمال لطفی:
در مکتب آیت‌الله رئیسی از «تمجید بی‌سابقه» رهبر معظم انقلاب به عنوان «حصن» برای سرکوب منتقدان سوءاستفاده نمی‌شود، بلکه این سید شریف از این «حُسن دولت» برای در کردن خستگی دو سال آواربرداری شبانه‌روز بهره گرفته و مسئولیت خود را برای روسفیدی بیشتر در محضر امام امت سنگین‌تر می‌داند.

حمید مقدم:
رهبر معظم انقلاب: «از همه دولت‌ها حمایت کردم اما از این دولت علاوه بر حمایت، تمجید می‌کنم»، دلم می‌خواست جای رئیسی بودم و حسش رو موقع شنیدن این جمله از زبان نایب امام زمان(عج) درک می‌کردم.

سیدپویان حسین‌پور:
بریده‌بریده خواندن و تحلیل کردن بیانات رهبری، خطای محاسباتی ایجاد می‌کند، بیانات آقا یک کل منسجم است که بخش‌های مختلفش، باهم ارتباط دارند، یعنی تمجید دیروز از دولت در کنار تأکید بر حل مشکلات معیشتی معنا پیدا می‌کند و هر دوی اینها در کنار نقد به اوضاع رسانه‌ای دولت موضوعیت دارد.

سیدیاسر جبرائیلی:
تمجید بی‌سابقه رهبر حکیم انقلاب اسلامی از دولت سیزدهم بالاخص شخص رئیس‌جمهور، تکلیف سنگینی را بر دوش نیروهای انقلابی نهاد. همه نیروهای ولایی ضمن اینکه واجب است با تمام توان دولت را یاری کنند، باید از هر موضع و اقدامی که در روند خدمت‌رسانی دولت اخلال ایجاد می‌کند، پرهیز کنند.

م. قنواتی:
حضرت آقا ضمن تمجید از فعالیت‌های دولت توصیه‌هایی نیز داشتند مانند کارآمدسازی فعالیت‌های رسانه‌ای. ایشان فرمودند زبان دولت در بیان آنچه انجام گرفته زبان رسایی نیست و اتفاقات خوب در ذهن مردم منعکس نشده است. رونوشت به کل تیم اطلاع‌رسانی دولت.

از اردوهای جهادی تا پیاده‌روی اربعین

سینا کلهر طی یادداشتی بیان داشت: می‌پرسند چرا نیروهای مذهبی جامعه خسته نمی‌شوند؟ هر چه شرایط سخت‌تر می‌شود، انگیزه‌های‌شان بیشتر می‌شود و هر چه بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرند، مقاومت‌شان بیشتر می‌شود؟ این نیرو از کجا می‌آید؟ نیروی دوم خرداد و ۱۸ خرداد تمام شد، جنبش سبز و زرآ هم به سرعت مضمحل شدند اما در این سو زخم و شکاف‌ها ترمیم و نیروی مذهبی منسجم و پویا مانده است. چگونه؟
مطابق نظریه ابن‌خلدون امت حزب‌الله و گروه‌های مذهبی جامعه که سرمایه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی و حامیان و مدافعان خستگی‌ناپذیرش هستند، همزمان با افزایش فرایند شهرنشینی و رفاه مادی‌شان باید نیرو و توان حمایتگری خود را از دست می‌دادند و به اصطلاح ابن‌خلدونی عصبیت آنها فروکش و در نتیجه انگیزه‌های آنها برای جانفشانی و ایثارگری برای آرمان‌های نظام سیاسی افول می‌کرد و در نهایت از بین می‌رفت.
عجیب آنکه ابن‌خلدون مدت‌زمان افول خلق‌وخوی‌های ایثارگرایانه و حمایتی را یک نسل با زمان ۴۰ سال می‌داند. بعد از ۴۰ سال نسل دوم از جهت روحیه، انگیزه و خلق‌وخو تحت تأثیر شهرنشینی و رفاه مادی قرار گرفته و عصبیت آنها فروکش کرده است و در نسل سوم به طور کامل از بین می‌رود و نسل چهارم، نسل سقوط و اضمحلال است. به این ترتیب عمر تمدنی دولت‌ها در اندیشه ابن‌خلدونی ۱۲۰ سال بوده و فرایند سقوط و افول حامیان و هواداران اصلی از ۴۰ سالگی شروع می‌شود.
بدیهی است نظریه ابن‌خلدون درباره حامیان اصلی یک نظام سیاسی است نه عموم جامعه، بنابراین نقطه تمرکز او تحولاتی است که در روحیه و خلق‌وخوی حامیان ایجاد می‌شود.
اگر با چنین چشم‌اندازی به حامیان اصلی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نگاه کنیم و با در نظر داشتن ریزش‌ها و جدایی‌هایی که در بخشی از حامیان و هواداران نظام (اصلاح‌طلبان) بسیار پیش‌تر از ۴۰ سالگی رخ داده است، بدنه اصلی حامیان نظام نه تنها روح عصبیت خود را از دست نداده است بلکه برخلاف پیش‌بینی‌های ابن‌خلدون، نیروی عصبیت آنها قدرتمندتر شده و در مقیاس منطقه‌ای و جهانی تکثیر شده است.
برای اثبات این مدعا می‌توان به پدیده نوظهور مدافعان حرم، شکل‌گیری جریان مقاومت در منطقه و حضور و واکنش بسیار مؤثر در جریان آشوب‌های ادواری سال‌های اخیر اشاره کرد.
اگر این برداشت درست باشد، اکنون سؤال این است که چه رفتار یا رخدادهایی باعث این فرایند شده و مانع افول و اضمحلال روح عصبیت نیروهای مذهبی جامعه شده است؟
ابن‌خلدون در پاسخ به علل و عوامل تقویت یا تضعیف عصبیت یک گروه، دیدگاه جبرگرایانه‌ای دارد و شیوه زندگی و محیط را مهم‌ترین منبع بازتولید و حفظ عصبیت در گروه می‌داند. هر چه محیط و شرایط زندگی نامساعدتر و سخت‌تر باشد، عصبیت در میان گروه بیشتر می‌شود، در نتیجه قبایل بدوی صحرا گرد بیشترین میزان عصبیت را دارند و شهرنشین‌های شهرهای بزرگ کمترین میزان را. زمانی که قبایل بدوی با سرنگون کردن دولت در شهرها ساکن می‌شوند، نیروی عصبیت آنها تحلیل می‌رود و در یک بازه زمانی ۴۰ ساله افول می‌کند.
همان طور که گفته شد با منطق ابن‌خلدون باید نیروی عصبیت گروه‌های مذهبی نیز افول می‌کرد اما چرا چنین نشده است؟ پاسخ را باید در رواج زندگی جهادی در میان این گروه‌ها جست‌وجو کرد. اردوهای جهادی، راهیان نور، پیاده‌روی اربعین، اردوهای پیشرفت و زیست اردویی و هیئتی باعث نگهداشت این گروه‌ها در شرایط و محیط زندگی سخت در عین زندگی شهری شده است. زندگی جهادی و حضور مداوم و فعال در مناطق محروم و تجربه مداوم مناسک‌های جمعی دینی که معمولاً در مناطق بیابانی و با شرایط بسیار سخت زندگی همراه است، منبع بی‌پایان و تمام‌نشدنی حفظ و بازتولید روح جمعی یاریگری و تعاون و در یک کلمه عصبیت در میان این گروه است. تداوم استفاده از مفاهیم برادر و خواهر در میان این گروه نشانه دیگری از پویایی و حیات روح برادری و همیاری است.
فرهنگ زندگی جهادی باعث شده است ارتباط و حضور در شرایط سخت و محیط‌های نامساعد زندگی برای گروه‌های مذهبی گسسته نشود و در نتیجه نیروهای کاهنده زندگی شهری با نیروهای افزاینده زندگی جهادی جبران شود. پیاده‌روی اربعین چه در سال‌هایی که در سرمای سخت زمستان در بیابان‌های بین شهرهای کربلا و نجف انجام می‌شد، چه این روزها که در گرمای طاقت‌فرسا انجام می‌شود، یکی از همان منابع بزرگ بازتولیدکننده روحیه ایثارگری و تعاون شیعیان جهان و جریان مذهبی جامعه ایران است که در کنار بهره‌های دیگری که به این جمع می‌رساند، نیروی عصبیت آنها را حفظ و بازتولید می‌کند.

آموزش‌وپرورش نیاز به بازسازی دارد

اسماعیل آذری در توئیتی نوشت: تا زمانی که ساختار معیوب است، افراد درون ساختار را شماتت نمی‌کنم. وقتی معلم طبق معیار انتخاب نمی‌شود، من دانش‌آموز را به خاطر سطح سواد و مهارتش سرزنش نمی‌کنم. وقتی برای معلم کارگاه‌های آموزشی علمی و کاربردی برگزار نمی‌کنند، معلم را سرزنش نمی‌کنم. آموزش‌وپرورش ما نیاز به بازسازی دارد.

آلودگی گردشگری!

الهام عابدینی در توئیتی نوشت: دیروز خوندم مردم «هال اشتات» اتریش اینقدر از حضور پرتعداد گردشگران خسته شدن که ورودی شهر رو بستن. در ژاپن هم چند سالیه کلمه مفهومی «کانکو کوگای» به معنای «آلودگی گردشگری» خیلی استفاده میشه. میگن یکی از دلایل مهم این اتفاق، نقش اینستاگرامه که مقصد رو بیش از حد خلوت و زیبا نشون میده.

ریشه «تمرهندی» در کجاست؟

حسین جاوید در کانال تلگرامی خود نوشت: «تمرهند» درختی است بومی آفریقا و سپس‌تر هندوستان. میوه‌اش که با همین نام «تمرهندی» خوانده می‌شود، در غلاف درازی قرار می‌گیرد و ترش‌مزه است و از دیرباز خواص دارویی هم برای آن متصور بوده‌اند. این درخت و میوه را «املـه»، «املی» «انبله»، «خبجه»، «خرمای گجراتی» و «خرمای‌هندی» نیز نامیده‌اند.
برخی پنداشته‌اند «تمرهندی» با واژه فرانسوی «تمبر» در ارتباط است و بر اثر همنشینی همخوان‌های «م» و «ب» به شکل «تمر» درآمده، در حالی که در واقع این «تمر» واژه‌ای عربی به معنی «خرما» است و کل واحد معنایی یعنی «خرمای هندی». این همان جزئی است که در معادل‌های Tamarind و Tamarindus indica دیده می‌شود.
بنا بر آنچه گفته شد، نام درست این درخت و میوه آن «تمرهندی» است (و نه «تمبر هندی» یا «تمبرهندی») و بین «تمر» و «هندی» نیز نیاز به فاصله نداریم و نوشتن آن به صورت «تمر هندی» نادرست است.
«دیگر ملینات که به آنها توان داد، تمرهندی است، مع الجلنجبین و ترنجبین مع گلاب.» (مفرح القلوب، ارزانی)
«عبدالله گوید که چون اظفار من طولی پیدا کرد، مأمون چیزی مانند تمرهندی به من داد.» (حبیب السیر، خواندمیر)
«تمرهندی: نیک است صفرا را و سرد است.» (فرخ‌نامه، جمالی یزدی)

مسئول بعدی «CNN» چه کسی خواهد بود؟

کانال تلگرامی «ژئوپلوتیک رسانه» نوشت: روزنامه نیویورک تایمز اعلام کرد انتظار می‌رود مارک تامپسون به عنوان مسئول بعدی شبکه CNN انتخاب شود. تامپسون که به احیای روزنامه نیویورک تایمز کمک زیادی کرده بود، قرار است در شرایطی حساس برای شبکه CNN مسئولیت را بر عهده بگیرد. مارک تامپسون ۶۶ساله، با تجربه بیشتری نسبت به لیخت، تهیه‌کننده سابق برنامه صبحگاهی و آخر شب CNN، به این شبکه می‌پیوندد. تامپسون در سال ۱۹۷۹ به عنوان کارآموز در بی‌بی‌سی شروع به کار کرد و در سال ۲۰۰۴ به سمت مدیر کلی ارتقا یافت. او در سال ۲۰۱۲ به عنوان مدیر اجرایی روزنامه نیویورک تایمز انتخاب شد و در میان گروهی از مدیران بود که این سازمان را از نظر مالی با گسترش تجارت اشتراک دیجیتال احیا کردند. شبکه CNN یکی از سازمان‌های خبری برجسته جهان است که در ۱۸ ماه گذشته تحت تأثیر یکسری بحران‌های تمام‌نشدنی قرار گرفته است. رتبه‌بندی و سود مالی این شبکه به شدت کاهش یافته است و شبکه همچنان از دوره تصدی کریس لیخت به عنوان مدیر اجرایی که در ماه ژوئن به دلیل کاهش روحیه کارکنان خاتمه یافت، در حال فروپاشی است.

کافی است برای خودش وقت بگذارد

زهره برزگر در کانال خود در پیام‌رسان ایتا نوشت: «باستر مون» صاحب یک سالن اجرای موسیقی و در آرزوی پیشرفته. می‌خواد کاری کنه کارستان. تمام تیرهای قبلی‌ش به سنگ خورده و آخرین کاری که انجام میده، باعث تخریب سالن موسیقی و نابودی همه سرمایه‌اش میشه. این کوالا شروع می‌کنه به شستن ماشین‌های مردم. بدن پشمالوش رو می‌کشه روی شیشه‌های اتومبیل‌ها تا تمیز بشن. باستر مون ناامیده. هیچ آینده‌ای نداره. کاملاً شکست‌خورده و نابود شده. باستر مون شباهت عجیبی داره به کسی که خوب می‌شناسیمش. اغلب آدم‌ها فقط تصاویر موفقیت رو می‌بینن و سال‌ها تلاش و شکست و تلاش و شکست براشون بی‌اهمیته. هیچ‌کس حواسش نیست چقدر «نه» شنیدی، چقدر دست رد به سینه‌ات زدن، چقدر کم آوردی، چقدر گفتی دیگه ادامه نمیدم، اما باز هم از صفر و حتی زیر صفر شروع کردی. مثل باستر که بالاخره دوباره شروع می‌کنه. مثل باستر که موفق میشه. فقط کافیه برای خودش وقت بذاره و رؤیاها و ترس‌هاش رو بشناسه و سالن موسیقی‌اش رو ترمیم کنه... باستر خیلی آشناست، من باستر رو می‌شناسم. داره به شما اشاره می‌کنه.

مانیفست اخلاقی دولت سیزدهم چرا «رئیسی» نه احمدی‌نژاد و نه روحانی؟

علی نادری نوشت: به نظرم نقطه ثقل تمجید رهبر معظم انقلاب از عملکرد دولت، در کنار حمایت همیشگی ایشان از دولت‌ها این تعبیر بود «بعضی از دولت‌ها طبیعت‌شان این است که فردا را قربانی امروز می‌کنند، این دولت این کار را نکرد»؛ دولتی که سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را برای خود «مصرف» نمی‌کند.
در توضیح این نکته، شاید ویدئوی کوتاه [پاسخ آیت‌الله رئیسی به خبرنگار روزنامه شرق] بهترین تقدیر از مانیفست سیاسی رئیسی باشد. رئیسی نه احمدی‌نژاد است نه روحانی و نه می‌خواهد احمدی‌نژاد باشد و نه روحانی. او رونق دکان سیاست را در غیریت‌سازی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نمی‌بیند. این را در مناظره‌های دو دوره انتخاباتش هم دیده‌ایم. اهل متلک پراکنی نیست و شاید همین حرص دوستانش را هم درمی‌آورد که چرا مانند اسلافش کنایه سیاسی نمی‌زند تا مدتی فضا مشغول باشد، اما آنچه در این سال‌ها فهم کرده‌ام این است که او نمی‌خواهد چنین باشد. رئیسی سبک سیاست‌ورزی‌اش را از مسیری غیر از مسیر دوگانه‌سازی‌های رایج انتخاب کرده است. اینکه چرا اینگونه است هم برمی‌گردد به پیشینه‌اش در امر قضاوت. رئیسی قاضی است و در قضاوت آموخته که میان دعوای دو طرف خوب بشنود، جانبداری نکند و بر اساس قانون و عدالت حکم کند. این حکم ممکن است به سود یک طرف و به زیان طرف دیگر باشد، اما مهم آن است که عادلانه باشد و غیرجانبدارانه.
اساساً حاکم در مقام سیاستگذار باید که جایگاهش همین باشد، برای آنکه بتواند بهتر و دقیق‌تر تنظیم‌گری کند. شما فرض کنید صاحب چند مجتمع عظیم پتروشیمی، بشود مسئول تعیین تکلیف قیمت خوراک پتروشیمی در دولت، صاحب یک شرکت بزرگ انبوه‌ساز، بشود مسئول تعیین قیمت مسکن و سیاستگذار ساخت‌وساز. یک بنگاه‌دار بزرگ نفتی بشود مسئول توزیع پروژه‌های نفتی یا یک تاجر بشود مسئول تنظیم قواعد اقتصادی یا یک شیفته غرب، مسئول تنظیم سیاست دولت با همه کشورها شود (این مثال‌ها واقعی بود)، آیا این سیاستگذاران اساساً می‌توانند سیاستی بی‌طرفانه بدون چشمداشت به منافع صنف خود در پیش بگیرند؟
جامعه زمانی بر ریل اعتدال می‌ماند که سیاستگذارش در دعواها ذی‌نفع نباشد. چنین سیاستگذاری هرگز نمی‌تواند همه طرف‌ها را راضی نگه دارد، اما تنها او می‌تواند به همه ارکان اجتماع آنچه حق‌شان است و نه بیشتر یا کمتر را بدهد. این همان سیاست افلاطون است در «جمهوریت» برای تحقق عدالت.
به نظرم رئیسی را همانگونه که است، بپذیریم و اتفاقاً این شیوه سیاست‌ورزی را ترویج کنیم؛ مسیری که نان خود را در دوگانه‌سازی‌های افراطی و دوپاره کردن جامعه نمی‌جوید، جامعه را یکپارچه می‌خواهد، تلاش می‌کند به هر بخش آنچه باید، برسد و به قول رهبر معظم انقلاب فردا را قربانی امروز نمی‌کند.
این دقیقاً نقطه مقابل همان «التهابی» است که خبرنگار شرق به دنبالش بود. به نظرم دقیقاً با همین رویکرد است که می‌توان تصمیمات بزرگ گرفت، بدون آنکه دولت متهم شود در اتخاذ آن تصمیم بزرگ، به دنبال منافع گروه و جریان و ذی‌نفعی خاص بوده است.